



بیانات در دیدار رئیس‌جمهور و اعضای هیأت دولت - 6 شهریور / 1392

بسم الله الرحمن الرحيم

خوشامد عرض میکنم به برادران عزیز و خواهر محترممان، (۱) و تبریک عرض میکنم هفته‌ی دولت را - که همراه شده با تشکیل هیئت دولت جدید - به همه‌ی دوستان، به همه‌ی شما و به رئیس‌جمهور محترم. هفته‌ی دولت مناسبتی است برای اینکه انسان تبریک بگوید و خدقوتی بگوید به همه‌ی کارکنان و مدیران و مسئولان قوه‌ی مجریه؛ و من این فرصت را از دست نمیدهم و به همه‌ی شماها و همه‌ی مدیران و همه‌ی مسئولانی که در قوه‌ی مجریه در سطوح مختلف، مشغول کار و خدمت و فعالیتند تبریک میگویم، برای همه‌ی آنها و برای همه‌ی شما توفیق خدمت از خداوند متعال مسئلت میکنم. طرّفه این است که در این یادبود سالانه‌ی دولت نام دو شهید فرزانه و خدوم، زینت‌بخش همه‌ی گفته‌ها و نوشته‌ها است. خیلی پرمعنا و پرمغز است که در طول این سالهای متمادی، همه‌ی دولتها و همه‌ی دولتمردان، یاد دو شهید خدمتگزار را سرلوحه‌ی روز دولت و هفته‌ی دولت قرار دادند و نگذاشتند که گذشت زمان و حوادث گوناگون، ارزش شهادت را و ارزش خدمت صمیمانه و متواضعانه‌ی این دو بزرگ‌مرد را به دست فراموشی بسپرد.

لازم میدانم از سرعت عمل رئیس‌جمهور محترم در معرفی وزیران به مجلس شورای اسلامی صمیمانه تشکر کنم. میدانستم و میدیدم اصرار ایشان را و در دل تحسین میکردم این اصرار را برای اینکه هرچه زودتر هیئت دولت تشکیل بشود؛ خوشبختانه ایشان توانستند و در همان اولین لحظه‌ی ممکن بعد از تحلیف، بدون اینکه فوت وقتی پیش بیاید، پیشنهاد خودشان را به مجلس محترم دادند. از مجلس محترم هم من تشکر میکنم که با رأی خوبی و در مواردی با رأی بسیار بالا و برجسته‌ای وزیران را تأیید کردند و کار را در واقع دولت و مجلس آغاز کردند. این نشانه‌ی عزم کار از طرفی و هماهنگی دو قوه از طرف دیگر است، که این هر دو از آن عناصری است و مواردی است که این حقیر نسبت به آنها حساسیت دارم؛ هم نسبت به هماهنگی دو قوه که خوشبختانه خیلی خوب در این وهله‌ی اول خود را نشان داد، و هم نسبت به اینکه در هر زمینه‌ای کار بی‌وقفه آغاز بشود.

امیدواریم که دولت شما و مجموعه‌ی شما بتواند نقاط قوتی که در او هست بروز بدهد و نشان بدهد و این امیدی را که اشاره کردند آقای رئیس‌جمهور در دل مردم به کارهای برجسته و بزرگ و عبور از موانع به وجود آمده و افزایش پیدا کرده، ان‌شاءالله با بروز نقاط قوت خودتان ادامه بدهید. البته بدون تردید شخص خود آقای روحانی یکی از نقاط قوت این مجموعه‌ی کاری است. ایشان فرد باسابقه‌ی در انقلاب، باسابقه‌ی در مبارزات انقلابی، با مواضع خوب و درست در طول سی و چند سال گذشته، خودشان را در معرض دید و قضاوت گذاشتند و بحمدالله امروز هم به‌عنوان رئیس‌جمهور مطلوب و مورد اعتمادی در رأس دستگاه اجرایی قرار دارند. و میفهمد انسان از مطالبی که ایشان میگویند و از سوابقی که از ایشان داریم که عزم راسخی در ایشان و ان‌شاءالله در همکاری‌شان هست برای اینکه کارها را به بهترین وجهی و در درست‌ترین جهتی به پیش ببرند. دعا میکنم من، هم ایشان را، هم شماها را که ان‌شاءالله موفق بشوید و بتوانید آنچه را که وظیفه‌ی یک دولت خوب و مطلوب است، ارائه بدهید.

در این جلسه‌ی آغازین با شما دوستان عزیز، یک مروری بکنیم به شاخصهای دولتی که در این روزگار دولت مطلوب محسوب میشود. البته ما ادعا نداریم که دولت ما یک دولت اسلامی به معنای حقیقی و کامل کلمه است. بنده به خودم نگاه میکنم، نقصها و ضعفهای بی‌شماری در خودم مشاهده میکنم، این را که مقایسه میکنم با کوچک‌ابدال‌های مقامات عالی‌مقدّس و مطهری که در صدر اول اسلام را به ما هدیه کردند، می‌بینم ما خیلی کوچک‌تر از این هستیم که بتوانیم آن دولت مطلوب را تشکیل بدهیم یا حتی طاقت بیاوریم؛ ولی به‌حسب آنچه که در روزگار ما و با شرایط ما میتوان دولت اسلامی نامید، یک شاخصهایی وجود دارد که من به بعضی از آن شاخصها اشاره میکنم. البته



حرفهای تازه‌ای نیست، اینها را خود شماها میدانید؛ منتها یادآوری آنچه را که میدانیم همیشه برای ما مفید است و ضرری ندارد که اینها را دوباره یک مروری بکنیم.

اولین شاخص، شاخص اعتقادی و اخلاقی است - بخصوص در مسئولان رده‌های بالا - سلامت اعتقادی، سلامت اخلاقی، سلامت عملکردی که از اعتقاد درست و نگاه درست به حقایق جامعه ناشی میشود. این شاخص اول است. ما خوشبختانه برای اعتقاد درست و برای آنچه که باید آن را حق دانست، دچار ابهام و سردرگمی نیستیم؛ علاوه بر منابع اسلامی - که حالا ممکن است از منابع اسلامی، افراد گوناگونی تلقی‌های مختلفی داشته باشند - ما مجموعه‌ی رهنمودهای امام بزرگوار را داریم؛ امام، مورد اعتقاد و قبول و اذعان همه‌ی ما است. خب، مجموعه‌ی بیانات امام، مجموعه‌ی موضع‌گیری‌های امام، مجموعه‌ی رهنمودهای امام در اختیار ما است. این شد آن شاخص؛ به این باید اعتقاد داشته باشیم؛ بر طبق این باید عمل بکنیم؛ در موارد اشتباه، به این شاخص اصلی مراجعه بکنیم؛ این میشود سلامت اعتقادی. اصول و ارزشهای انقلاب هم همینها است، مبانی ارزشی انقلاب هم در همین بیانات وجود دارد. اینها چیزهایی است که اگر به آنها پایبند باشیم و دلبسته‌ی به آنها باشیم و برنامه را بر اساس این دلبستگیها انجام بدهیم، به نظر میرسد که کار موفق و خوش‌آینده خواهد بود و پیش خواهیم رفت.

یکی از چیزهایی که من بر روی آن تکیه میکنم در این زمینه‌ی اعتقاد و نگاه قلبی و گرایش قلبی، مسئله‌ی اعتماد به خدای متعال است، اعتماد به وعده‌های الهی است؛ این از جمله‌ی مطالبی است که بنده اصرار دارم ما روی این کوتاهی نکنیم. وقتی خدای متعال صریحاً به ما وعده میدهد که «إِنْ تَنْصُرُوا اللَّهَ يَنْصُرْكُمْ»، (۲) «وَلَيَنْصُرَنَّ اللَّهُ مَنْ يَنْصُرُهُ»، (۳) وقتی اینجور خدای متعال با صراحت، با تأکید به ما وعده میدهد که اگر شما از دین او حمایت کردید، از راه خدا پیروی کردید و آن را نصرت کردید، خدا شما را نصرت خواهد داد، ما باید به این وعده اعتماد داشته باشیم، باید همین جور عمل بکنیم. حالا این برای کسی که تجربه نکرده، ممکن است از ذهن دور باشد و مورد استبعاد باشد، اما من و شما که تجربه کردیم، ما که دیدیم چطور یک امر نشدنی شد؛ نشدنی‌تر از این وجود نداشت که انسان خیال کند با دست خالی، با حضور در خیابانها میشود یک رژیم مستبد مستکبر متکی به همه‌ی قدرتهای جهانی را سرنگون کرد و به جای او یک نظام اسلامی آورد؛ آن هم نه یک نظامی منطبق بر معیارها و استانداردهای غربی؛ نظامی اسلامی، نظام فقهاتی. چه کسی باور میکرد چنین چیزی عملی بشود؟ اما شد؛ همین چیز نشدنی اتفاق افتاد.

قضیه‌ی شورشهای اول انقلاب، قبل از شروع دفاع مقدس، یک مسئله‌ی دیگر است؛ شورشهایی که از خارج هم حمایت میشد - یادتان است دیگر - در شرق کشور، در غرب کشور، در شمال کشور، در جنوب کشور؛ کجا بود که این شورشهای قومی و طائفی و امثال اینها وجود نداشته باشد؟ کدام کشور و کدام دولت تازه‌پا که نه یک ارتشی دارد، نه یک نیروی مسلحی دارد، نه نیروی امنیتی درست و حسابی‌ای دارد، میتواند با یک چنین چیزی در بیفتد و بر آن فائق بیاید؟ جمهوری اسلامی فائق آمد.

جنگ تحمیلی و قضیه‌ی دفاع مقدس، نمونه‌ی دیگر است؛ خب اینها حرفهای هزار بار یا هزاران بار گفته شده است؛ لکن باید به یاد بیاوریم اینها را. جنگ تحمیلی، فقط جنگ یک دولت همسایه با ما نبود؛ یک جنگ بین‌المللی علیه ما بود با همه‌ی ابزارها. همه‌ی تلاششان را کردند، نتوانستند بعد از هشت سال یک وجب از خاک کشور را تصرف بکنند؛ این چیز کمی است؟ و همین‌طور مسائل گوناگون دیگر. خب، اینها وعده‌هایی است که محقق شد. «إِنْ تَنْصُرُوا اللَّهَ يَنْصُرْكُمْ» را دیگران اگر در قرآن فقط خوانده‌اند، ما در زندگی آن را تجربه کرده‌ایم. بنابراین باید اعتماد به خدا داشته باشید، برای خدا کار کنید آقایان، هدفتان را هدف خدایی قرار بدهید، مطمئن باشید خدای متعال راه باز میکند. همین معادله‌ی چند مجهولی که آقای دکتر روحانی بیان کردند - که آدم وقتی نگاه میکند از همه طرف، تعارض و تناقض دارد - این را گاهی اوقات می‌بینید خدای متعال با یک حرکت کوچک حل کرد. اتفاق افتاده؛ یک



جسمی را روی جسم دیگری می‌خواهید سوار کنید، ده جا مانع وجود دارد، بلد نیست آدم؛ یک آدم ماهر می‌آید، یک تکان مختصر میدهد، جا می‌افتد. یعنی همه‌ی این مسائل را میتوان فرض کرد که با یک نگاه درست عالمانه‌ی بخردانه‌ای - که البته متکی باشد به توسل به پروردگار و عنایت الهی و امید و اعتماد به خدای متعال - پیش برد و حل کرد و من اعتقادم این است. به هر حال این یکی از شاخصهاست: اعتماد [به خدا] و انس با معنویات. من خواهش میکنم - البته شاید لزومی نداشته باشد که من این را از شما بخواهم و تحصیل حاصل باشد - با قرآن رابطه‌تان را قطع نکنید، حتماً هر روز مقداری قرآن بخوانید، با دعا و توسل رابطه‌تان را محکم کنید؛ این فشار کار را کم میکند، سختیهای کار را برمی‌دارد، شما را بانشاط میکند، آماده‌ی مواجهه‌ی با موانع بزرگ میکند، یعنی سر حال می‌آورد روح انسان معتقد را؛ این خیلی امر مهمی است؛ و نوافل و مانند اینها که دیگر حالا جای خود دارد.

شاخص دوّم، مسئله‌ی خدمت به خلق است؛ روحیه‌ی خدمت، که این گفتمان اصلی دولت اسلامی همین خدمت است؛ اصلاً فلسفه‌ی وجود ما جز این نیست؛ ما آمده‌ایم خدمت کنیم به مردم و هیچ چیز نباید ما را از این وظیفه غافل کند. البته ما هر کدامان دلبستگی‌هایی داریم، سلیقه‌هایی داریم؛ در زمینه‌ی سیاسی، در زمینه‌ی مسائل اجتماعی، دوستی‌هایی داریم، دشمنی‌هایی داریم، اینها همه حاشیه است؛ متن عبارت است از خدمت؛ نباید بگذاریم این حواشی بر روی این متن اثر بگذارد. و یک نکته‌ای که در این زمینه‌ی خدمت هست، این است که وقت محدود است: چهار سال یا به نگاهی هشت سال؛ وقت محدود است، مثل برق هم می‌گذرد. من در همین اتاق یا آن اتاق با بعضی از دولتهای قبلی که بعضی از شماها هم در آنها بودید، همین را مکرراً تکرار کردم: روز اول دولت به فکر این باشید که این مثل برق می‌گذرد. وقتی انسان به چهار سال پشت سرش نگاه میکند، می‌بیند کأنه مثل یک روز گذشت - تمرُّ مَرَّ السَّحَابِ - (۴) منتها در داخل همین وقت محدود، فرصتها نامحدود است؛ یعنی هر ساعت شما یک فرصت برای شما است. هر حادثه‌ای که پیش می‌آید یک فرصت برای شما است. هر فکری که به ذهن شما میرسد، ابتکاری که به ذهنتان می‌آید، یک فرصت برای شما است. این فرصتها را از دست ندهید.

دوّم اینکه در زمینه‌ی خدمت، کار را باید جهادی کرد؛ جهادی به معنای بی‌قانونی نیست. دوستانی که ما سالها با خیلی از شماها کار کردیم - با بسیاری از شما برادرها در زمینه‌های مختلف همکاری داشتیم - میدانید روحیه‌ی من را، من آدم دعوت کننده‌ی بی‌قانونی نیستم؛ بشدتّ ضدّ این بی‌قانونی هستم، اما معتقدم در همان چهارچوب قانون، دو جور میشود کار کرد: یک کار کار مرسوم اداری، یک کار کار جهادی. کار جهادی یعنی از موانع عبور کردن، موانع کوچک را بزرگ ندیدن، آرمانها را فراموش نکردن، جهت را فراموش نکردن، شوق به کار؛ این کار جهادی است. کار را باید جهادی انجام داد تا ان شاءالله خدمت بخوبی انجام بگیرد.

شاخص سوّم، مسئله‌ی عدالت است. بنده بارها عرض کرده‌ام - در جلسات خصوصی با بعضی از شماها در طول این سالها - معتقد نیستم به پیشرفت بدون عدالت. ما این دهه را اسم گذاشتیم به "دهه‌ی پیشرفت و عدالت". پیشرفت بدون عدالت همان نتیجه‌ای را خواهد داد که شما از تمدن پر جلوه‌ی غرب، امروز دارید مشاهده میکنید. ثروت و قدرت و علم و فناوری، بیشتر از آن چیزی که اینها دارند برای این دوره تصور نمیشده؛ اینها حداکثر را دارند، اما در عین حال شما ملاحظه کنید آنجا عدالت وجود ندارد. حالا در زمینه‌ی عدالت قضایی، در تبلیغات سینمایی و داستانی و مانند اینها، حرف زیاد میزنند - که غالباً، یعنی صدی هشتاد، دروغ است؛ اطلاعاتی که انسان در زمینه‌های قضایی دارد هم [نتیجه میدهد که] این خبرها نیست در غرب - اما در زمینه‌ی اقتصادی که کاملاً واضح است. کسانی هستند که از گرسنگی میمیرند، کسانی هستند که در سرمای فرض کنید که ده درجه زیر صفر در فلان کشور میمیرند، یا از گرمای چهل درجه میمیرند! چرا انسان در گرمای چهل درجه به هلاکت بیفتد و بمیرد؟ جز این است که سر پناه ندارد، خانه ندارد، در گوشه‌ی خیابان است، [در] گرمای چهل درجه، آب هم به او نمیرسد، از بین میرود؟ اینها وجود دارد؛ و [از طرفی] ثروت‌های انبوه افسانه‌ای هم امروز در غرب وجود دارد. این بی‌عدالتی است، ما این را



نمیخواهیم، اسلام این را از ما نخواست. ما پیشرفت را لازم داریم، پیشرفت به همان معنایی که امروز در ادبیات غربی به عنوان توسعه یاد میشود، ما اسمش را میگذاریم پیشرفت؛ این پیشرفت، قطعاً بایستی همراه با عدالت باشد. خب، در قرآن هم شما ملاحظه میکنید؛ همه‌ی ارسال رُسُل و انزال کتب و مانند اینها «لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ» (۵) است؛ برای این است که جامعه با قسط زندگی بکند. بنابراین، این هم شاخص بعدی است که این را دائماً باید در نظر داشت.

شاخص بعدی که شاخص چهارم است، سلامت اقتصادی و مبارزه‌ی با فساد است. ببینید منصب حکومتی، جایگاه قدرت و منابع مالی است؛ و سوسه‌ها در اینجا انسان را راحت نمیگذارد. حالا شما به خودتان نگاه نکنید که متدینید و سطح بالا هستید و مقاومت میکنید در مقابل این وسوسه‌ها؛ در درجات پائین ممکن است در مقابل این وسوسه‌ها نتوانند مقاومت بکنند. شما باید مراقب باشید، شما باید چشم بصیر بینای خودتان را بر سرتاسر این دستگاهی که زیر اشراف شما است و تحت مدیریت شما است، آنچنان بگسترانید که نگذارید در یک گوشه‌ای ناسلامتی اقتصادی به وجود بیاید و این وسوسه‌ها کارگر بشود. حتی قبل از آنکه دستگاههای نظارتی وارد بشوند؛ خب، ما دستگاههای نظارتی در کشور داریم، آنها وظیفه‌ای دارند؛ چه آنچه مربوط به مجلس است، چه آنچه مربوط به قوه‌ی قضائیه است، چه آنچه مربوط به خود قوه‌ی مجریه است - مثل بازرسیهای قوه‌ی مجریه - لکن قبل از آنکه نوبت به آنها برسد، خود مدیر دستگاه مراقب سلامت [آن] باشد و این احتیاج دارد به نگاه دائم؛ غفلت نباید کرد. بنده گاهی برای این دوستان و مدیرانی که با اینها می‌نشینیم صحبت میکنیم، مثال میزنم، میگویم مثل این نورا فکن‌هایی که ملاحظه کرده‌اید در بعضی از قلعه‌ها و مانند اینها یک نورا فکنی دائم دارد همین‌طور دور میزند، این نورا فکن نگاه شما باید دائم دور بزند؛ یعنی هیچ راه نفوذ وجود نداشته باشد؛ دائم باید نگاه کنیم، مراقبت بکنیم. واقعاً فساد مثل موربانه است؛ نگذارید که فساد و رشوه و پارتی‌بازی و اسراف و تجمل و خرجهای زیادی و مانند اینها، در دستگاهتان نفوذ بکند. بخشی از این علاجی که در زمینه‌ی مسائل اقتصادی آقای دکتر روحانی اشاره کردند، در همین صرفه‌جویی‌ها و مبارزه‌ی با فسادها تأمین شدنی است؛ گاهی اوقات یک خرجهای زیاد، بیخود، بیجا - حالا آنجایی که غیر حرام است، اما زائد است؛ شاید زائد هم به یک معنا حرام باشد، اما بالاخره با آن صراحت حرام نیست، اما خرج زائدی است - جلوی شما باید گرفته بشود. و میتوان؛ از این طریق میتوان کارهای بزرگ و زیادی کرد. واقعاً در دستگاههای اجرایی، اکثریت کارکنان، کارکنان زحمت‌کش و پاک و سالمند؛ [اما] وقتی که یک مورد، دو مورد، ده مورد انسانهای ناپاک و ناسالم در یک دستگاهی حضور پیدا میکنند، مثل میکروب، مثل موربانه آنجا فعالیت میکنند، زحمات این مجموعه‌ی خدمتگزار و زحمت‌کش واقعاً ضایع میشود، و هم بدنام میشوند، هم زحماتشان از بین میرود؛ [فساد محیط اطمینان را از بین میبرد.

شاخص بعدی، مسئله‌ی قانون‌گرایی است. خب قانون‌گرایی خیلی مهم است. قانون ریل است؛ از این ریل اگر چنانچه خارج شدیم، حتماً آسیب و صدمه است. گاهی قانون ناقص است، گاهی قانون معیوب است؛ اما همان قانون معیوب هم اگر چنانچه عمل نشود - [قانونی] که منتهی به بلبشو و هر که هر که خواهد شد - ضرر آن عمل نشدن، بیشتر از ضرر عمل کردن به قانون [است]. این را باید نهادینه کرد؛ در مجموعه‌ی دستگاهها این باید نهادینه بشود. و جزو رعایت قانون، رعایت اسناد بالادستی است که امروز خوشبختانه در کشور وجود دارد؛ مثل سیاستهای کلی، سند چشم‌انداز، مصوبات شوراهای عالی از قبیل شورای عالی انقلاب فرهنگی، از قبیل شورای عالی مجازی؛ که من دیروز پریروز بود با آقای دکتر روحانی راجع به آن مختصراً صحبت کردم، بیشتر از این هم صحبت خواهیم کرد، شورای عالی مجازی - که ما در همین اتاق شاید چهار جلسه‌ی سه چهار ساعته با حضور رؤسای سه قوه، و مجموعه‌ای از قوا نشستیم و این شورا تشکیل شده و بسیار مسئله‌ی مهمی است - مصوباتی دارد، این مصوبات را بایستی معتبر بدانند و بر طبق این مصوبات باید عمل بشود. این قانون‌گرایی و قانون‌مداری اگر چنانچه جا افتاد،



مسئله‌ی خیلی از آسیبه‌ها از بین خواهد رفت.

از جمله‌ی چیزهایی که من خوب است اینجا در سیاست‌های کلی یادآوری کنم، یکی سیاست‌های تحوّل نظام اداری است که تصویب هم شده، ابلاغ هم شده. ما واقعاً در زمینه‌ی مسائل اداری و نظام اداری دچار مشکلات و آسیبه‌های دیرپا و مزمن هستیم. این سیاست‌ها مطرح شده، در مجمع تشخیص مورد بررسی قرار گرفته و ابلاغ شده، به نظر من سیاست‌های بسیار خوبی است، باید برای اینها برنامه‌ی اجرایی گذاشت و عملیاتی کرد که از جمله‌ی چیزهای بسیار مهم است که متأسفانه مانده، تأخیر هم شده است و به جریان نیفتاده.

یک شاخص دیگر، مسئله‌ی حکمت و خردگرایی در کارها است؛ کار کارشناسی، مطالعه‌ی درست، ملاحظه‌ی جوانب و آثار و تبعات یک اقدام، و حتی گاهی ملاحظه‌ی تبعات یک اظهارنظر. گاهی یک اظهارنظر از سوی یک مسئول دارای جایگاه و به اصطلاح دارای تریبون، دارای منبر، یک تأثیرات سوئی میگذارد که این تأثیرات را اگر انسان بخواهد برطرف کند، مبالغه‌ی بایستی کار کند؛ همان قضیه‌ی سنگ توی چاه است؛ واقعاً مشکلات ایجاد میکند. بایستی سنجیده اظهارنظر کرد؛ این جور نباشد که ما حالا یک مدیری هستیم، یک مسئولی هستیم، درباره‌ی یک مسئله‌ای یک مطلبی به ذهنمان میرسد، کارشناسی نشده، بررسی نشده، جوانب دیده نشده، این را نباید پرتاب کرد در فضای افکار عمومی؛ گاهی اوقات جمع کردنش کار سخت و مشکلی است. این خردگرایی و حکمت در مدیریت‌ها و در کارها است. و از جمله‌ی شقوق همین حکمت، استفاده از ظرفیت بالای کارشناسی است در مسائل کشور که خوشبختانه ما در زمینه‌ی کارشناسی، امروز ظرفیت خیلی خوبی در کشور داریم؛ انصافاً انسان نگاه میکند، در بخش‌های مختلف، ظرفیت کارشناسی کشور بالا است، ما اگر از این ظرفیت و [از] این نیروهای فراوانی که بعد از انقلاب پرورش پیدا کردند و به عرصه‌ی خدمت و کار وارد شدند استفاده کنیم، حتماً سود خواهیم برد.

یک شاخص دیگر هم عرض بکنیم، این بخش را من دیگر ادامه ندهم بیشتر از این؛ تکیه به ظرفیت درون‌زای کشور است؛ نگاهمان به بیرون نباشد. این، توصیه‌ی ما است؛ این معنایش این نیست که از امکاناتی که در بیرون هست استفاده نکنیم؛ این دو حرف با هم اشتباه نشود. امیدمان را به بیرون از ظرفیت داخلی کشور ندوزیم. در بیرون از مجموعه‌ی کشور و نظام جمهوری اسلامی، جبهه‌ی بزرگی وجود دارد که با همه‌ی توان از سی و چند سال پیش به این طرف کوشیده نگذارد که این انقلاب ریشه‌دار بشود، نگذارد که این نظام جمهوری اسلامی پایدار بماند، نگذارد که پیشرفت کند، نگذارد که در زمینه‌های گوناگون الگو بشود. نمیشود از دشمن و روش‌های خصمانه‌ای که کرده، انتظار دوستی و محبت و صمیمیت داشت. نمیگوییم از اینها استفاده نکنید، اما میگوییم اطمینان نکنید، اعتماد نکنید، چشم به آنجا ندوزید، چشم به داخل بدوزید. در داخل کشور خیلی امکانات وجود دارد که اگر چنانچه نگاه ما - چه در زمینه‌های اقتصادی، چه در زمینه‌های فرهنگی، چه در زمینه‌های گوناگون دیگر - [به آنها باشد] و اگر بتوانیم از این نیروهای داخلی استفاده کنیم، کلید حل مشکلات اینجا است؛ یعنی در درون کشور و امکانات داخلی کشور است که از اینها میشود خردمندانه بهره‌برداری کرد. اینها باید شناسایی بشوند. و این است که رتبه‌ی ما را در دنیا بالا میبرد. در مناسبات بین‌المللی سهم هر کشوری به قدر قدرت درونی او است؛ هر مقداری که واقعاً در درون اقتدار داشته باشد، سهمش از مجموعه‌ی مناسبات بین‌المللی به همان نسبت بالاتر است؛ این را باید ما تأمین بکنیم و خوشبختانه در طول این سال‌های متمادی بمرور تأمین شده، یعنی مدام بر اقتدار و قوام نظام جمهوری اسلامی در طول این سالها افزوده شده؛ لذا می‌بینید حیثیت و موقعیت جمهوری اسلامی هم بالا رفته که حالا شواهدش فراوان و الی‌ماشاءالله است. و این شش هفت تا شاخص بود که خواستیم عرض کنیم؛ البته عرض کردیم اینها مطالبی نیست که برای شماها تازه باشد، لکن تذکر و تکرار دانسته‌هایی است که آنها لازم است.

دو سه نکته‌ی دیگر هم من عرض بکنم؛ ما باید اولویت‌ها را رعایت کنیم. شما تازه‌نفسید، وارد کار شده‌اید، در عین حال امکانات نامحدود نیست، هم‌تتان نامحدود نیست، وقتتان نامحدود نیست، باید نگاه کنید ببینید اولویت‌ها

چیست. به همه‌ی امور باید رسید، نمیشود یک اموری را معطل گذاشت تا یک کار دیگر تمام بشود، لکن آنچه نگاه اصلی را به خودش متوجه میکند، آن را باید پیدا کرد. به نظر من دو مسئله است که اقتضا میکند که ما نگاهمان را به اینها توجه بدهیم: یکی مسئله‌ی اقتصاد است، یکی مسئله‌ی علم است؛ اقتصاد و علم، این دو به نظر من چیزهایی است که امروز باید در ردیف اول اولویتهای ما قرار بگیرد؛ هم شما که قوه‌ی مجریه هستید، و هم در درجه‌ی بعد قوای دیگر.

در زمینه‌ی اقتصاد خوشبختانه زیرساخت‌های زیادی امروز وجود دارد که اینها چند سال پیش وجود نداشت. در این ده دوازده سال اخیر، زیرساخت‌های زیادی در کشور به وجود آمده که میتوان از اینها استفاده کرد. خب، آنچه که در درجه‌ی اول در زمینه‌ی اقتصاد لازم است، یکی ثبات و آرامش و خاموش کردن تلاطم عرصه‌ی اقتصادی است، یعنی این تلاطمی که وجود دارد، چه تلاطم ذهنی مردم، چه آنچه در بازار وجود دارد، این را بایستی با تدبیر - که البته این بیشتر به سیاستهای شما و اظهارنظرهای شما و برخی از اقدامات سریع شما وابسته است - [حل کرد]. یک مسئله هم مسئله‌ی مهار تورم است، یکی هم تأمین نیازهای اساسی مردم است؛ اینها چیزهای اولویتهای ما است که بایستی در درجه‌ی اول مورد توجه قرار بگیرد؛ و تحرك بخشیدن به تولید ملی. اینها مسائل اساسی اقتصاد ما است؛ باید به اینها توجه بکنید. البته مشکلات هست، برخی از این مشکلات را - یا بسیاری از آنها را - آقای دکتر روحانی بیان کردند؛ ما هم کم‌وبیش آشنا هستیم با این مشکلات؛ میدانیم که اینها هست، باید ببینید که چگونه میتوان از این مشکلات خلاص شد و اگر توانستید ان شاء الله این آرامش را در عرصه‌ی اقتصاد به وجود بیاورید و تورم را مهار بکنید و مسئله‌ی تولید را تحرك ببخشید، این شروع همین حماسه‌ی اقتصادی‌ای است که ما اول سال آن را مطرح کردیم و درخواست کردیم از مجموعه‌ی ملت و مجموعه‌ی مسئولین. البته حماسه‌ی اقتصادی کار شش ماه و یک سال و دو سال نیست؛ حرکت بلندمدت لازم است. از دولت کنونی هم نه مردم، نه ما و نه هر انسان منصفی انتظار ندارد که حالا در کوتاه‌مدت همه‌ی این مشکلات را حل کند؛ نه، انتظار دارند که حرکت به سوی حل آغاز بشود و این را احساس کنند که یک حرکتی به سمت حل مشکلات هست و نگاه حکیمانه‌ای و مدبرانه‌ای پشت سر قضایا هست، که حالا در زمینه‌ی مسائل اقتصاد، مطالب متعددی هست که برای طرح آنها مجال نیست.

من اشاره کنم به مسئله‌ی اقتصاد مقاومتی. مبانی اقتصاد مقاومتی و مجموعه‌ی سیاستهای اقتصاد مقاومتی، تدوین شده است، برای مشورت فرستاده شده به مجمع تشخیص مصلحت، آنجا دارند بررسی میکنند. اقتصاد مقاومتی به معنای ریاضت اقتصادی نیست، به معنای در لاک خود رفتن نیست؛ یک معنای کاملاً معقول‌تر و عمیق‌تری دارد که قابل فهم و قابل دفاع است؛ و علاج هم همین است؛ ما باید بتوانیم یک اقتصادی را در کشور به وجود بیاوریم که در مقابل بحرانها و جزرومدهای بین‌المللی مقاوم باشد، آسیب نبیند؛ این لازم است. البته شرائطی دارد؛ حالا ان شاء الله می‌آید از مجمع تشخیص و چقدر هم خوب است که آقای دکتر روحانی که خودشان در مجمع تشخیص هم حضور دارند، آنجا تأکید کنند که این کار هرچه زودتر ان شاء الله انجام بگیرد.

در زمینه‌ی علم؛ ببینید ما یک حرکت پرشتابی را از حدود ده سال، یازده سال پیش به این طرف در زمینه‌ی علم داریم؛ یک حرکت خوبی شروع شده و آنطور که من دارم میبینم و گزارشها را ملاحظه میکنم، این حرکت روزبه‌روز هم بیشتر شده، یعنی آن روز اولی که ما مسئله‌ی استغنائی علمی و شکستن مرزهای علم و نهضت نرم‌افزاری را مطرح کردیم، خود بنده هم باور نمی‌کردم که این همه ظرفیت برای پیشرفت و سرعت پیشرفت وجود داشته باشد؛ بعد ناگهان دیدیم واقعاً از اطراف، مثل چشمه‌ای جوشید. الان شما نگاه کنید، مراکز تحقیقاتی ما، پارکهای علمی - فناوری ما، دانشگاههای ما در بخشهای مختلف، در حال جوششند؛ این باید متوقف نشود. در زمینه‌ی اقتصاد هم این آن چیزی است که به ما کمک اساسی خواهد کرد؛ یعنی اگر ما توانستیم کار علمی را پیش ببریم و علم را اقتصادی کنیم - که حالا اشاره خواهم کرد - قطعاً در زمینه‌ی اقتصاد از فروش نفت و از خام‌فروشی‌هایی که داریم



و مانند اینها، برای ما بسیار پر صافه‌تر خواهد بود.

امسال در دیدار ماه رمضان - حالا یادم نیست که اساتید دانشگاه بودند، یا دانشجویها؛ در یکی از این دو دیدار - یکی از حضار يك سخنرانی‌ای کرد، يك عنصری را، يك محصولی را معرفی کرد که درآمد آن برای کشور چندین برابر - که حالا من چون یادم نمانده متأسفانه، نمیتوانم بگویم؛ البته یادداشت کرده‌ام - بیشتر از درآمد مثلاً فرض کنید که نفت ما است یا گاز ما است که اگر چنانچه روی آن محصول کار بکنیم که مشتری هم در دنیا دارد، علاقه‌مند هم دارد، برای ما هم مشکلات تولیدی ندارد، میتوانیم چنین درآمدهایی داشته باشیم؛ یعنی واقعاً یکی از کلیدهای حل مشکلات اقتصادی و معضلات اقتصادی ما، تکیه‌ی روی علم است.

ما باید بتوانیم در زمینه‌ی علم، اولاً نگذاریم حرکت پرشتابی که امروز وجود دارد، مطلقاً کند بشود، بخصوص دولت باید به آن اهتمام بکند. عرض کردم این جزو دو اولویّت اول برنامه‌های کشور است؛ یعنی به‌طور ویژه روی مسئله‌ی پیشرفت علم باید کار بشود. البته مسؤل درجه‌ی يك برای پیشرفت علم، دو وزارت علوم و بهداشت درمان هستند؛ لکن وزارت‌های صنعتی، وزارت کشاورزی، وزارت‌های حتی خدماتی، اینها همه‌شان میتوانند در این زمینه کمک بکنند و باید کمک بکنند؛ یعنی واقعاً همکاری بین دانشگاهها و بین مراکز علمی و تحقیقاتی و دستگاههای خدماتی ما - مثل همین وزارت صنعت، وزارت راه، وزارت نفت، وزارت کشاورزی، این وزارت‌های گوناگونی که با مسائل فنی سروکار دارند - [لازم است]؛ اینها میتوانند واقعاً مثل يك مکنده‌ای عمل بکنند و از درون مراکز تحقیقاتی و علمی، آن شیرهی علم را بکشند و آن دستگاه را وادار به کار و تحرک بکنند. البته اینکه عرض کردم، دو نکته است در مورد این مسائل علمی: یکی تکمیل زنجیره‌ی علم و فناوری است؛ یعنی این زنجیره‌ی از ایده و فکر و سپس علم و سپس فناوری و سپس تولید و سپس بازار را ما باید تکمیل بکنیم، والا اگر چنانچه ما کار تحقیقاتی را کردیم، به فناوری هم رسیدیم، اما مثلاً تولید انبوه نشد، یا بازار برایش پیش‌بینی نشد، این ضربه خواهد خورد؛ همه‌ی اینها بایستی مورد توجه قرار بگیرد و این زنجیره‌ی کار علمی، تا تولید و بازار بایستی دنبال بشود؛ یعنی نگاهها باید روی مجموع این زنجیره باشد؛ این يك نکته است. نکته‌ی بعدی هم شرکت‌های دانش‌بنیان؛ خوشبختانه امروز شرکت‌های دانش‌بنیان با تعداد خوبی، بالایی تشکیل شده و وجود دارد، هرچه میتوانید باید بروید سراغ شرکت‌های دانش‌بنیان.

خب، دیگر صحبت‌های ما طولانی شد. در زمینه‌ی فرهنگ و سیاست خارجی هم ما حرف‌های زیادی داریم که حالا ان‌شاءالله با اصحاب خودش باید در میان بگذاریم. و در مسئله‌ی سیاست خارجی آقای دکتر روحانی مطالبی خوبی را بیان کردند. يك مصاحبه‌ای هم از آقای ظریف (۶) شنفتم که آن مقداری که شنفتم، خیلی خوب بود. فهم عزت و حکمت و مصلحت لازم است؛ ما این سه شعار عزت، حکمت، مصلحت را درست باید بفهمیم؛ اگر توانستیم اینها را عملیاتی بکنیم، سیاست خارجی ما همان چیزی خواهد شد که نیاز کشور به آن است و شایسته‌ی تراز نظام جمهوری اسلامی است. در زمینه فرهنگ هم حرف‌های زیادی هست.

راجع به مسائل منطقه هم اشاره بکنم، همین‌طور که آقای دکتر روحانی گفتند، منطقه منطقه‌ی حساسی است، این روزها هم روزهای بحرانی‌ای را در واقع دارد میگذرانند. در قضایای مصر ما هیچ مایل نیستیم که دخالت در امور داخلی مصر بکنیم، لکن نمیتوانیم از کشتاری که نسبت به مردم مصر انجام گرفت غمض عین بکنیم؛ ما این کشتار را محکوم میکنیم، هر کس عامل این کشتار است [باشد]؛ این جور مردم را - مردمی که هیچ سلاحی دستشان نیست؛ حالا يك وقت مردمی هستند، مسلحانه دارند میجنگند با يك دستگاه يك بهانه‌ای دارد - به رگبار بستن و این جور صدها یا به روایتی هزارها را به خاک انداختن، مطلقاً محکوم است. ما در زمینه‌ی مصر معتقدیم که از جنگ داخلی بشدت باید پرهیز بشود. من روز عید فطر هم گفتم یکی از دغدغه‌های ما، از غصه‌های ما این است که خدای نکرده در مصر بین گروه‌های مردم به معنای واقعی کلمه، جنگ در بگیرد که این يك فاجعه‌ای خواهد بود برای دنیای اسلام و برای منطقه. و بایستی هدف هم بازگشت به دموکراسی و رأی مردم



باشد. آنجا خب، بالاخره بعد از سالهای متمادی حاکمیت استکبار و استبداد با هم بر مصر، مردم به برکت بیداری اسلامی توانستند انتخابات درستی داشته باشند، نمیشود که این روند متوقف بشود و به عقب برگردد. در مسئله‌ی سوریه هم که آمریکا تهدید کرده و گفته‌اند میخواهند دخالت کنند، این قطعاً يك فاجعه برای منطقه خواهد بود و مطمئناً آمریکایی‌ها از این مسئله ضرر خواهند کرد؛ این را باید بدانند؛ قطعاً ضرر میکنند؛ همچنان که در عراق ضرر کردند، همچنان که در افغانستان ضرر کردند؛ این هم ضرر دیگری خواهد بود. دخالت قدرتهای فرامنطقه‌ای و خارجی در يك کشور - حالا سوریه یا غیر سوریه - جز آتش‌افروزی و جنگ‌طلبی هیچ معنای دیگری ندارد، نفرت ملت‌ها را نسبت به اینها زیاد میکند، اینها را در منطقه باز هم بدنامتر از گذشته میکند، به علاوه که اصلاً هیچ آینده‌ی روشنی هم وجود ندارد، یعنی واقعاً منطقه منطقه‌ای است که مثل انبار باروت، اگر يك جرقه‌ای آنجا از این قبیل دست بدهد، آدم نمیداند که ابعاد این جرقه چه خواهد شد. امیدواریم خداوند متعال این منطقه را از شرّ آمریکا و صهیونیسم و بدخواهان دیگر محفوظ بدارد و کشور ما را، ملت ما را، مردم ما را، دولت ما را، رئیس‌جمهور ما را، در سایه‌ی حمایت و رعایت خودش محفوظ بدارد تا بتوانید ان شاءالله به وظائفتان عمل کنید. والسلام علیکم ورحمةالله و برکاته

-
- (۱) معاون حقوقی رئیس‌جمهور، خانم الهام امین‌زاده
 - (۲) سوره‌ی محمد، بخشی از آیه‌ی ۷
 - (۳) سوره‌ی حج، بخشی از آیه‌ی ۴۰
 - (۴) نهج‌البلاغه، حکمت ۲۱
 - (۵) سوره‌ی حدید، بخشی از آیه‌ی ۲۵
 - (۶) وزیر امور خارجه